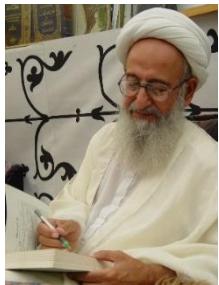


بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای رحمتگر بر همکان رحمتگر بر ویژگان

آموزگاران و شاگردان، و پرسش‌هایی از فقیه مصلح قرآن آیة الله العظمی صادقی تهرانی



مرجع عظیم الشأن حضرت آیة الله العظمی صادقی تهرانی (دامت توفیقته)  
ضمن عرض سلام و تحيات الہی

در روزگاری که از هر سو دشمنان اسلام، نسل جوان مسلمان و به خصوص نسل نوجوان و جوان ایرانی را مورد هدف خود قرار داده و از طریق تهاجم فرهنگی و شبهه افکنی سعی در گمراه نمودن آینده سازان این مرز و بوم دارند از محضر شریف آن مرجع عظیم الشأن و آیت الہی تقاضا مندم به پرسش‌های زیر که نود درصد آنها توسط دانشآموزان مقطع متوسطه، و ده درصد توسط اینجانب و همکاران فرهنگی طرح شده است پاسخ روش بدھید.

البته بنده حقیر در حد بضاعت علمی خود به مقداری از آن سؤالات پاسخ داده‌ام، ولی لازم دیدم که از طرف حضرتعالی یا دفتر معظمله پاسخ محکم و مستندی داشته باشم که روی تابلوی اعلانات دیروستانها و مراکز پیش‌دانشگاهی نصب شود و دانشآموزان و همکاران پاسخ پرسش‌های خود را دریافت دارند.

با ز هم یادآور می‌شویم که پاسخ به سؤالات فوق برای اینجانب و سایر همکاران و بویژه دانشآموزان بسیار ضروری است.  
خداآوند بنده نواز حضرتعالی را برای حفظ اسلام و قرآن و راهنمایی کسانی چون حقیر و نوجوانان و جوانان این مرز و بوم، سالم و سلامت و مؤید و منصور بدارد.

إن شاء الله.

کمترین بندهی خدا - ک.ن

۱۳۸۲/۱۱/۲۹

سؤال ۱- آیا قیامت که در قرآن کریم وعده آن را داده اند کل هستی را در بر می‌گیرد (یعنی ۴۰۰ میلیارد کهکشان). اگر آری ، پس موجودات سایر کرات نیز همراه انسانهای زمین قیامت‌شان بر پا می‌شود، یا اینکه ممکن است این قیامت مخصوص منظومه شمسی ، یا فقط مخصوص میلیونها کرات راه شیری باشد؟!

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب سوال ۱: قیامت پس از بزرخ کلاً جهان شمول است و تمامی هستی چه زمینی و چه آسمانی را در بردارد و کل مکلفان اعم از انسان‌های زمینی یا آسمانی و فرشتگان و جنیان مورد حساب خواهند بود، حتی حیوانات به اندازه شعورشان مورد حساب خواهند بود و این‌ها بر مبنای آیاتی از قرآن است. مثلاً:

«السموات مطويات بعيته» (زمر/ ۶۷) که شامل تمای آسمانها و زمينها می باشد، یا «إذا السماء انفطرت» (الفطار/ ۱) - «إذا الأرض مدّت والقت ما فيها و تحلت» (الشقاق/ ۲). و آیاتی دیگر که قیامت را شامل کل هستی می داند.

۲- اگر در پذیرش دین اسلام آزاد و مختار هستیم پس چرا در انجام فرایض (عبادات عملی) آزاد و مختار نیستیم . آیا این خود نوعی جبر نیست در حالیکه در دیگر ادیان چنین نیست.

ج-۲- در صورتی جبر بر اعمال صحت دارد که اعتقاد اسلامی بر عدم جبر دلیلی روشن و قاطع نداشته باشد و حال آن که پذیرش درست اسلام، التزام به اعمالی را به دنبال دارد و این کوجه جبری صوری به نظر می‌رسد ولی واقعاً جبر نیست که در حقیقت التزام به اعمالی است که اسلام آن‌ها را واجب یا حرام دانسته. و آیه‌ی شریفه‌ی «لَا أَكَاهُ فِي الْتَّيْنِ، قَدْ تَبَّى الرَّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/ ۲۵۶) آکاه در دین را نفی کرده زیرا برای پویندگان دین، راه از پیراهه جدا شده، پس آکاه در عقیده‌ی دینی نیست ولی به دنبال اعتقاد دینی باید به لوازم مثبت و منفی آن پابیند باشند و این در مورد تمام عقاید صدق می‌کند.

۳- منظور امام صادق (علیه السلام) در این روایت که می فرماید : قبل از پدر و مادر شما انسانها (آدم و حوا) آدم و حواهای دیگری بوده اند چیست ؟ اگر چنین روایتی صحت داشته باشد آیا قیامت آن آدم و حواها بر پاشده است یا خیر ؟ و یا آدم و حوا و نوح و ابراهیم (علیهم السلام) زمین ، در کرات دیگر نیز بوده اند . و آیا کتب آسمانی چون : تورات و انجیل و قرآن بر آنها نازل شده است ؟ و آیا امامان ما امامان آنها نیز بوده اند ؟

ج-۳- منظور این است که بیش از نسل فعلی نسل‌های دیگر در گذشته بوده‌اند که قرآن می‌فرماید:«اذقال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة...» (بقره/ ۳۰) که این خلافت جانشینی نسل انسان است از انسان‌های گذشته و از نظر قرآن، دلیل بر قیامت انسان‌های گذشته ندارد، فلانا نه نهی می‌کیم و نه اثبات.

اشخاصی مانند آدم و پیامبرانی دیگر(علیهم السلام) صرفاً پیامبران زمین خودشان نبوده‌اند بلکه بر حسب آیاتی، شرایع زمینی مشتمل بر کل مکلفان زمین و آسمان نیز هست، پیامبران زمینی و امامان معصوم بعد از ایشان در هر زمان نسبت به کل مکلفان در آن زمان خاص پیامبر و امام بوده‌اند و فاصله‌ی مکانی هم منافقی با تکلیف آن‌ها ندارد چنان که در روی زمین هم فاصله‌ی مکانی با رسولان موجب فاصله‌ی تکلیفی نیست. و اما چگونه کتب ادیان زمینی به آسمانیان رسیده ؟ پاسخ این است که چون وحی بر غیر پیامبران نازل نی‌گردد. لذا توایی که جانشینان امامان و پیامبران زمینی هستند مورد الام وحی های پیامبران می‌باشند، چگونه و چه اندازه ؟ برای ما مجھول است و آکون هم که یازده امام معصوم بعد از پیامبر آخرین، رحلت کرده‌اند، استمرار وجودیشان در استمرار رسالت و امامت می‌باشد و نه خود اشخاص؛ که در زمان غیبت و رحلت آن بزرگواران، شرعمداران غیر معصوم در زمین، حجج ربانی، پس از کتاب‌های زمینی می‌باشند و برای مکلفان آسمانی نیز هین کونه است.

۴- شیعه می‌گوید پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) امام علی (علیه السلام) را در روز عید غدیر به جانشینی انتصاب نمود ، نیز می‌گوید در آن روز ۱۲۰ هزار نفر حضور داشته اند . اهل سنت می‌پرسد پس چرا از این دهها هزار شاهد فقط چند صد نفر به این سخن پیامبر شهادت دادند . یکی از اشکالات اهل سنت که اکثریت جمعیت گنبد را تشکیل می‌دهند به جعلی بودن این داستان و افسانه بودن این مسئله است . اهل سنت می‌گوید چرا آن ۱۲۰ هزار نفر در روز انتخاب جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جز همان عدد باد شده به جانشینی ابوذر، کسانی دیگر اعتراض نکردند ؟!

ج-۴- آیات و روایاتی متواتر حتی درین اهل سنت دو اصل را قطعاً اثبات می‌کند:

الف- اصل اجتماع مردم در غدیر خم

ب- جمله‌ای مورد اتفاق که در خطبه‌ای که پیامبر در آن اجتاع خواندند که حضرتش فرمود: «أَسْتُ أُولَى بِكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ؟ قَالُوا بَلِّي قَالَ فَنَ كَتْ مَوْلَاهُ فَهُذَا عَلَيْيَ مَوْلَاهُ...»

برادران سنتی که این سخن را قبول دارند، گروهی از علمایشان آن را این طور معنا می‌کنند که: «هر کس من دوست او بوده‌ام پس این علی هم دوست اوست» و لی پاسخ ما در برای این قرائت نابسامان است که جمله‌ی «الست اولی بکم من انفسکم...» نه تنها ولایت به معنای دوستی را اثبات می‌کند بلکه اولویت حضرتش بر کل مؤمنین را اثبات کرده و بنابر این تفريع بعدی «فَنَ كَتْ مَوْلَاهُ...» همان اولویت بر کل مؤمنان را پس از حضرتش ثابت کرده و گذشته از جریان غذیر در آیه‌ی اکمال دین و تبلیغ، این اولویت را برای حضرتش ثابت می‌کند. آیاتی دیگر از جمله آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی فاطر: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادَنَا فَهُمْ ظَالِمُونَ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ». این آیه پس از آیه قبلی «وَاللَّهُ يُوحِي إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ هُوَ الْحَقُّ مَصْدَقًا لِمَا بَيْنَ يَدِيهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بِصَيْرٍ» وراثت و پژوهی قرآن را بر عهده‌ی گروهی خاص نهاده و از آنجا که این عمل را خدای متعال انجام داده، که او «بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بِصَيْرٍ» است؛ پس این وارثان کسانی هستند که شایستگی این وراثت را دارند. و اگر این وارثان از محور قرآن عدول داشته باشند چگونه شایستگی وراثت آنرا دارند؟ که این وراثت بعد عصمت قرآن را هم شامل است. لذا این بزرگواران ذرای از قرآن عدول ندارند و بنابرین در بعد عصمت همچون قرآن معصومند که ادامه‌ی آیه این موضوع را کاملاً تصریح می‌کند.

در ادامه‌ی آیه خدای متعال آنها را با توصیفی دوگانه بر کل معصومان تاریخ غیر از رسول خدا برتری داده.

اول: «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادَنَا...» که «اصطفی» در کل قرآن گزینشی ریاضی است یعنی آنچه نزد خدا انتخاب شده بر ادیان یا بندگانی که عمل انتخاب در بین آنها صورت گرفته برتری دارد. مانند: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْنَا مِنَ الْمُنَّى...» (بقره/۱۳۲). و در آینجا «اصطفی» در بین «عبدانَا» صورت گرفته، پس این بزرگواران بر همه‌ی عباد خدا از زمان آدم (علیهم السلام) تا قیامت کبرا که همه‌ی پیامبران و معصومین پیشین - غیر از پیامبر (صلی الله علیہ وآلہ وسلم) - را شامل می‌شود، در نزد خدا برتری دارند. و باز لازمه‌ی این برتری عصمت است، عصمتی برتر و والا اتر از عصمت همه‌ی آنها.

دوم: خداوند در ادامه‌ی این آیه ملاک انتخاب را تبیین کرده و «عبدانَا» را به سه دسته تقسیم نموده‌اند:

۱- «فَنَهِمْ ظَالِمُ ظَالِمَ لِنَفْسِهِ» که شخص ظالم هرگز شایستگی انتخاب شدن معصومانه را ندارد.

۲- «وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» که منظور عادلاند. باز عادلان منهای عصمت شایستگی این انتخاب نیستند.

۳- «وَ مِنْهُمْ سَابِقُ بِالْخَيْرَاتِ» که الخیرات کل خیرات در تاریخ تکلیف است که این بزرگواران معصوم پس از رسول گرامی (صلی الله علیہ وآلہ وسلم) در کل خیرات بر دیگران حتی معصومان پیشین چون حضرت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی (علیهم السلام) سبقت گرفته‌اند لذا آنان معصومند و عصمت‌شان برتر و والا اتر از عصمت همه‌ی آنهاست.

تا آینجا معلوم می‌شود که بعد از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیہ وآلہ وسلم) کسانی هستند که اولاً معصومند . ثانیاً بر همه‌ی انبیا و اولیای پیشین و پسین برتری دارند و ثالثاً کتاب خدا (قرآن) را به ارتیز پیشند که لازمه‌ی این وراثت آن است که خود اولین عاملان به آن و حقی بر دیگران باشند.

حال این معصومان و این وارثان و جمیعت‌های بعد از نبی مکرم اسلام (صلی الله علیہ وآلہ وسلم) چه کسانی هستند؟

اگر اینان خلفای سه‌گانه‌اند، نه خود آنها ادعای عصمت داشتند و نه علمای سنتی آنان را معصوم می‌دانند و همین علا تصریح کردند که خلفای سه‌گانه هر کدام اعمالی بر خلاف شریعت انجام داده‌اند.

و یا اگر اینان ائمه‌ی اربعی فقه سنتی‌اند که باز آنها هم مانند خلفای سه‌گانه اختلاف و اشتباه دارند.

حال که در میان اهل سنت چنین کسانی نیستند، آیا در بین شیعیان هم نیستند؟ این معاذله نسبت دروغ دادن به آیه‌ی مبارکه است. بنابرین این افراد همان خاندان معصوم پیامبرند که در غذیر خم و حدیث پیغمبرین پک پک با ناخمی مبارکشان معرفی شده‌اند.

یعنی همان دوازده نور پاک به اضافه‌ی صدیقه‌ی طاهره (علیها السلام)؛ و این آیه دیگر به حدیث نیازی ندارد. و در پاسخ این که چرا از آن جمعیت کثیر تعداد اندکی تشیع را پذیرفتند؟ باید گفت که: کروهی منافق و کروهی هم سست ایمان با قاصر بودند که از عدالت رسول گرامی خسته شده بودند از این رو پذیرش خلافت علی (علیها السلام) برایشان مشکل بود و یک نکته‌ی تاریخی هم هست و آن این که همیشه در طول تاریخ، اکثریت با منحرفان بوده است.

اعتراض بر ابویکر نخست از شخص امیر المؤمنین علی (علیها السلام) شروع شد چنان که در خطبه‌ی شقشیه و مانند آن منصوص است و نیز بزرگردانی دیگر مثل سلمان، ابوذر، مقداد و ... بر این انتخاب و انتخاب‌های بعدی اعتراض کردند اما اگر فرض کیم که هیچ کس هم اعتراض نکرد! آیا نص کتاب و سنت که خلافت معصومان را ثبیت کرده، کافی نیست؟!

و در پایان باید گفت آیا این فضل کبیر «ذالک هو الفضل الكبير» برای غیر معصومان شایسته است، آن هم با آن همه اختلافات و انحرافات موجود؟ حال آن که کبیر عبدالله از هر بزرگی بزرگ‌تر است بنابر این وارثان قرآن پس از رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) در طول تاریخ از هر بزرگی پس بزرگ‌ترند.

۵- مگر قرآن نی فرماید: «لَا أَكَاهُ فِي الدِّينِ» (در دین اجباری نیست) پس چرا حکم مسلمان زاده ای که به دین مسیحیت یا محدودیت در آمده و به نظر خودش دین درستی هم هست (چون تحقیق کرده) خونش مباح و اعدام اعلام شده است. اصلاً شاید او دوست نداشته باشد که مسلمان باشد مگر زور است . مگر نی گویند اصول دین در اسلام تحقیقی است . کسی که قبل از سن بلوغ فکری از والدین خود تبعیت می‌کرده و مسلمان بوده ولی آکنون می‌خواهد اصول دین را آگاهانه پذیرد ، و آکنون به نظر او دین برتر، مسیحیت یا محدودی و زرتشی است ؛ هیچ توطئه ای هم علیه اسلام نی کند فقط به نظر او یکی از ادیان فوق الذکر صحیح است. حکم مواجمه با چنین شخصی چیست؟ لطفاً در این مورد توضیح دهید.

ج-۵- اصل «لَا أَكَاهُ فِي الدِّينِ» بر مبنای «قد تبین الرشد من الغی» بر این اساس استوار است که چون راه از پیراهه تبیین کشته لذا نه آگاهی بر پذیرفتن راه است و نه پیراه. آری کسانی که راه را شناخته‌اند و از روی علم به صحت راه، به پیراهه می‌روند، اینها کهکارتند ولی چنانچه از روی تصور یا تقصیری بدون عناد باشد آگاهی بر قبول راه راست که هنوز آنرا نشناخته‌اند نیست. مثلاً آیاتی مانند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالْتَّصَارِي وَالصَّابِئِينَ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَهُمْ أَجْرٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»(بقره/۶۲) یهودیان، نصرانیان و صابئین (التطاپیان) را پس از مؤمنان در صورت عدم عناد، اهل نجات می‌داند. ولی معاندان مانند سلمان رشیدی، کرچه در ظاهر هم مسلمان باشند اهل نجات نیستند.

آری کسانی که مبانی دینی را تصدیق دارند باستی بر اساس همان مبانی به لوازم دین نیز ملتزم باشند و اما فرزندانی از مسلمین که بدون آگاهی و تصدیق اسلام با تماس‌هایی با کفار، غیر اسلام را انتخاب کنند، این‌ها هنوز مسلمان نشده‌اند تا کفرشان ارتداد باشد از این بالاتر حتی مرتدان معاند اسلام، مادامی که ارتدادشان زیان عقیدی برای دیگران نداشتند باشد محکوم به اعدام نیستند ولی در صورت فتنه و زیان رسانی طبق آیاتی مانند «وَالْفَتَنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ»(بقره/۲۱۷) جانشان هدر است.

در اینجا ممکن است بعضی افراد با استناد به آیه‌ی مبارکه‌ی «وَمَنْ يَتَنَعَّمْ بِغَيْرِ إِلَهٍ مِّنْ دِينِهِ فَلْنَ يَقْبَلْ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»(آل عمران/۸۵) این شبهه را مطرح کنند که دینی جز اسلام خاتم النبین نزد خدا پذیرفته نیست! حال آنکه "الاسلام" در این آیه مبارکه با «ال» (الف و لام) جنس، اطلاق دارد و هیچ قیدی برای اسلام خاتم ندارد پس به معنای کل حلالات تسلیم در برابر خدای سبحان با درجه‌نش می‌باشد البته آیاتی مانند «حَنِيفًا مُسْلِمًا»(آل عمران/۶۷) درباره‌ی اسلام حضرت ابراهیم (علیها السلام) مبنی این آیه است. و همچنین آیاتی دیگر، حضرت اسماعیل، اسحاق، یعقوب، آسپاط، موسی، عیسی، سلمان و کل پیامبران (علیهم السلام) و حواریون و ملکه‌ی سبا (بلقبیس) را مسلمان پرشمرده است که تبیینی دیگر بر اطلاق "الاسلام" در آیه‌ی مبارکه بر کل درجات تسلیم در برابر خدای متعال است.

۶- آیا تمام احادیث کتاب حیله‌المتین صحیح است؟ چرا که بعضی احادیث مندرج در آن با عقل و قوانین مسلم علوم تحریی (نه فرضیه) منطبق نیست بلکه بعضاً خلاف آن است.

ج- ۶- هرگز، زیرا چنان که فرمودید حاوی مطالبی برخلاف عقل و علم مطلق و کتاب و سنت قطعیه است.

۷- اساساً چرا خداوند ما را آفرید تا آزمایشان کند اصلاً چرا انسان را مختار خود گناه کند و بعد هم وارد جهنم شود . در حقیقت ما انسانها نا خواسته بدنیا آمدیم . آخر این چه عدالتی از جانب پروردگار است که خودش بدون اجازه و خواست قلیبی ما ، ما را بزور وارد این دنیا کنند بعد هم به ما اختیار دهد که آزادانه گناه یا ثواب کنیم و بعد اگر گناهان بیشتر شد ما را وارد جهنم کنند ؛ با علم به اینکه او خود بی داند که انسان ممکن الخطأ است . آیا این مطلب با عدالت و رحمان و رحیم بودن خداوند سازگار است ؟! بنظر بی آید که اگر خداوند انسان را نی آفرید بهتر بود چون دیگر نه گناهی در کار بود و نه ثوابی و نه جهنم رفتن و بیشتر رفتی . آنهم بصورت اختیاری که توجیه خیلی از علمای دین است!

ج- ۷- بر حسب ادله‌ی عقلی، علمی و شرعی، خدای سبحان مطلقاً پی‌نیاز است. هم از نظر ذاتی که تکامل ندارد، بلکه کمال مطلق است و هم از نظر آفرینش که تنها دیگران به او نیاز دارند و خدا غنی حمید است. براین مبنای خلقت آفریدگان هرگز بر مبنای نیاز آفریدگار نیست بلکه این آفریدگانند که در اصل آفرینش و تداوم آن به کوئی مطلق، نیازمند به رحمت رحمانی و رحیم حضرتش می‌باشند. و این که چرا بدون اجازه آفریده شده‌ایم؟ اولاً ما نبوده‌ایم تا برای آفرینشان اجازه دهیم یا ندهیم و انگهی اجازه در صورتی شرط است که جریانی بر خلاف حکمت و مصلحت انجام گیرد. بر این مبنای آفرینش آفریدگان که خلقت اصل وجود آنان حکم‌گانه بوده و خود رحمتی بزرگ است، اجازه نی خواهد و آیا چنان که عدم رحمت نیست، وجود هم رحمت نیست؟ این خود تناقض است بلکه آفرینش ربانی بر مبنای رحمت رحمانی و رحیم، تکویناً و تشریعاً خود مصلحتی مطلق است و آزمایش مکلفان بین معنا نیست که خدای سبحان نی داند چگونه‌اند و آفریده و به آن‌ها اختیار داده تا بداند چگونه‌اند؟ این خود جمل و بر خلاف کمال مطلق است، بلکه نتیجه‌ی این آزمایش به خود مکلفان برمی‌گردد .

خدای متعال با روشنگری آیاتی «آفاقتی و انقسی» و آیاتی «تشریعي» مکلفان را به سوی حق رهبری کرده است و چنان که اصل وجودشان رحمت است قدم نهادنشان در این راههای ربانی برای آن‌ها - و نه برای خدا - تکاملی شایان است و این که اجبار و اکراهی پس از آفریدنشان برایشان مقرر نکرد. بدین سبب است که کمال و تکامل در بستر اختیار، خیر است ولی هر دو در بستر اجراء، دست کم نه خیر است و نه شر؛ و جهانیان با فراموش کردن آیات آفاقتی و انقسی و شرایع الهی اگر با عناد ورزی به زندگی ادامه دهند این‌ها به کرده خویش اهل جهند مانند دانشگاهی که تمام امکانات را مجاناً در اختیار دانشجو قرار می‌دهد ولی تنبی و کاهلی باعث مردوی دانشجو می‌گردد. در اینجا مقصص، مؤسس دانشگاه نیست بلکه مقصص خود دانشجو است.

پس در کل اگر ما حکمت‌ها را ندانیم ولی چون می‌دانیم کارهای خدای سبحان از روی حکمت و مصلحت است جای هیچ اعتراضی باقی نمی‌ماند که «لایسیل عماً یفعل و هم یستلون» (انیا/ ۲۳) خدای شناخته شده هرگز مسئولیتی که زمینه‌اش قصور یا تقصیر است ندارد. درست است که عده‌ای با بینش ضعیف ایرادهایی به کارهای ربانی می‌گیرند لکن پاسخ همه، حکمت و پی‌نیازی مطلق الهی است و آیا کدام خداشناس و حتی مشرکی می‌تواند چنان گمان کند که فکر و کارش بر کارهای خدای سبحان برتری دارد؟ در هر صورت خدا کلاً پی‌نیاز مطلق است و دیگران غیر مطلق و نیازمندند. هرجا هم برای خدای پرستان قضیه‌ای مشکوک باشد پاسخش همان پی‌نیازی مطلق ربانی است. از باب مثال احیاناً مورچه که زیر پای انسان لگدمال می‌شود معرض است که چرا خدا انسان را آفرید؟ و انسان هم می‌گوید چرا خدا مورچه را آفرید؟ هر دوی این «چرا»ها از روی علم غیر مطلق است زیرا:

بلکه تا بر بندگان جودی کم

من نکرم خلق تا سودی کم

و این خیال که آفریدن آفریدگان بر مبنای رحمت، خود نیازی است رحمانی! پاسخش این است که رحمتگر دوگونه است: یا بر مبنای نیاز خودش رحمت می‌کند و یا بر مبنای نیاز دیگران - و خود کلاً پی‌نیاز است- و اگر کسی پی‌نیاز باشد و نیاز دیگران را بر طرف نسازد این خود بخل است، پس آفرینش آفریده‌ها خود رحمتی است از سوی رحمتگری پی‌نیاز. و اصولاً تمامی سوالات نسبت به کارهای خدای سبحان بر اساس جمل نسبت به شناخت صحیح خداست.

در کل خدایران دارای هر شریعتی که باشد اگر با حالت ایمان و عملی صالح بپرند بالاخره اهل نجاتند. می‌ماند معاندان که شامل ملحدان و مشرکان می‌شوند که این‌ها هم کمتر از استحقاقشان در جهنم به سر می‌پرند به دلیل آیدی: «قال عذایی أصيّب به من أشاء و رحْتَ وَسْعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف/۱۵۶) که عذاب خدای سبحان فاضل‌انه است (بالاتر از عادل‌انه).

۸- ادیسون با اختزاع برق بزرگ‌ترین خدمت را به بشریت نمود که حتی همین نوشتن بنده و مطالعه‌ی حضرتعالی زیر نور و تلاوت قرآن و عبادات من و شما زیر نور چراق برقی است که او اختزاع کرده است اما به ظن برخی علماء، چون مسلمان نبوده به جهنم می‌رود! و فقط برای اینکه اجر این کار او ضایع نگردد از عذابش در جهنم کاسته می‌شود. در حالیکه که اگر ایشان مانند یک فرد عامی و بی‌سواند زندگی می‌کرد و فقط صبح و شب به عبادات و غماز و راز و نیاز می‌پرداخت وارد بیشت می‌شد. آیا این استدلال را هیچ انسان عاقلی می‌پنیرد که ادیسون با ۲۵۰۰ اختزاع خود جهنمی شود و یک فرد عامی که کوچک‌ترین فایده ای به بشریت نرسانده مگر به خود، بہشتی می‌شود؟! اگر بگویید «اما الاعمال بالثبات» خداوند به نیت افراد نگاه می‌کند، فرض کیم که اصلاح نیت او خودگفایی بوده، برای خدا هم نبوده اما برای خلق خدا که بوده! چگونه است که خداوند از حق خود می‌گذرد (حق الله) اما به حق مردم که می‌رسد (حق الناس) اهمیت نمی‌دهد؟! در حالیکه در روایات فراوان داریم که حق مردم بالاتر از حق خداست و آبروی مؤمن بالاتر از خانه کعبه است و روایات بسیاری دیگر در شان ارزش مؤمن به خدا داریم.

ج-۸- بر مبنای نصوصی مانند: «من کان بپرید الحیة الدنيا و زینتها نوق الیهم أعملهم فيها و هم فيها لا يخسرون اولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا النار و حبط ما صنعوا فيها و باطل ما كانوا يعملون» (هود/۱۵) یعنی اگر کسی تمام کوشش‌هایش برای دنیا باشد پس اجرش نیز در همین دنیاست که به مقتضای عدالت الهی در همین دنیا، صد در صد اجرش را می‌بیند اما در میان مختزان در طول تاریخ شاید بتوان گفت حتی یک نفر هم ملحد یا مشرک نبوده گرچه مسیحی یا یهودی یا ... بوده‌اند و این‌ها بر مبنای آیاتی که مناط را ایمان و عمل صالح می‌داند اهل نجاتند و مختزان و مکتشفان مشمول هر دو اجر (دنیا و آخرت) بوده و هستند، گرچه درجاتشان، به میزان ایمان و عمل صالحان بستگی دارد.

۹- آیا طبق حدیث معراج ممکن است آنها بی‌کعبه باشند که پیامبر در جهنم مشاهده نمود همان نسل‌های قبل از آدم و حوا باشند که هم آنکنون به فرموده آن حضرت در جهنم و بہشت هستند؟

ج-۹- جهنم قیامت بر مبنای آیاتی هنوز تحقق نیافته و جهنمی که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ملاحظه فرمودند جهنم بزرخی است که برای مردگان ما و یا انسان‌های گذشته است و فعلًا بیش از قیامت کبرا در حیات بزرخی به سر می‌پرند.

۱۰- معمول است که در نمازهای جماعت بعضی مساجد، پس از اقام نماز شعار مرگ بر فلان، مرگ بر امریکا و انگلیس و ... سر می‌دهند آیا حدیث یا آیه ای در این باره رسیده است؟ آیا چنین شعارهایی ثواب هم دارد؟!

ج-۱۰- شعارهای مرگ بر... به ویژه پس از نمازها سنتی شرعی نیست، آری در کل، مرگ بر دشمنان اسلام سخنی شایسته است شایسته و هرگز ویژه‌ی پس از نماز نیست و شایسته است دعاهایی که مشتمل بر این «مرگ بر...» هاست خوانده شود و نه به گونه‌ای مستقل و در باره‌ی

اشخاصی مخصوص. مثلا بعد از نماز ابتدا تسییحات حضرت زهرا (علیها السلام) کفته شود، سپس دعاهای قرآنی و دعاهایی از اهل‌البیت (علیهم السلام) مانند اللهم اشغل الطاللین بالطاللین و اللهم عجل لولیک الفرج والعافية والنصر.

۱۱- آیا با مانتو نماز خواندن اشکال دارد و چنانچه مقدار کمی - به عمد - مو از چادر و روسربی - در حال نماز - دیده شود نماز باطل است یا خیر؟

ج ۱۱- قسمت اول: هرگونه حجایی به طور کامل برای نماز کافی است.

قسمت دوم: حجاب نماز بر حسب سنت قطعیه باید هم چون حجاب در برایر نامحرمان باشد و تنها نمایان بودن صورت و هم چنین دست و پاتا مج جایز است. ولی ظاهراً اگر چند موبی عمدتاً نمایان باشد حتی در حجاب از نامحرمان نیز اشکالی ندارد چون صدق یی حجایی نی کند (دقت شود چند موبی که صدق یی حجایی نکند).

۱۲- آیا امام زمان (علیه السلام) در کرات دیگر نیز ظهر داردند؟

ج ۱۲- آیی در روایاتی از معصومان علیهم السلام آمده است که هانند سلیمان و ذوالقرین که بر آبرها سوار می‌شدند و آفاق را زیر پا ی گذاشتند برتر از آن‌ها امام زمان (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف) کل جهان تکلیف را با وسائلی خدادادی زیر پا می‌نهند.

۱۳- نظر آن مرجع معظم راجع به شطرنج و تخته نرد و بیلیارد چیست؟

ج ۱۳- در خصوص شطرنج، روایاتی متواتر از معصومان علیهم السلام مبنی بر حرمت آن وارد شده است ولی درباره سایر الات آگر لهوی وجود نداشته باشد، جایز است، چنان که در رساله‌ی نوین مفصلًا بیان شده است.

۱۴- آیا در مسح سرحتا باید آب به پوست سر برسد و الا باطل است؟

ج ۱۴- رسیدن آب به پوست سر شرط نیست بنابراین مسح روی آن مقدار مو که با کشیدنش از محدودی سر خارج نشود، جایز و صحیح است.

۱۵- بعضی از برادران اهل سنت از ما ایراد می‌کنند که شما از کجا می‌دانید که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر مهر سجده می‌کرده است؟ خواهشمند است از کتب اهل سنت در این باره روایتی را بیان دارید.

ج ۱۵- سجده بر مهر هرگز در زمان رسول گرامی و امامان معصوم (علیهم السلام) مرسوم نبوده است و ساختن مهر تنها بر این مبناست که سجده بر هر زمینی که احیاناً متنجس یا ناپاک بوده، درست نیست بنابراین شیعه در سجده، از خاک یا سنگ یا چوب و مانند این‌ها که پاکیزه است استفاده می‌کند. پس سجده بر هر چیز غیر خوردنی و غیر پوشیدنی که نجس یا متنجس یا پلید نباشد درست است، مانند زمین یا فرش پاک، و منظور از خوردنی و پوشیدنی هم یعنی آن‌چه که بالفعل یا با مقدماتی که فعلیت پیدا کند قابل خوردن یا پوشیدن باشد. مانند غزره یا ویش پنبه که برای لباس شدنش مقدمه‌ای اندک دارد، پس سجده بر آن جایز نیست.

۱۶- آیا روح در دنیا تکامل دارد یا خیر؟ در آخرت چطور؟

ج-۱۶- روح کافر در دنیا نقص دارد و در برزخ و قیامت تکامل ندارد ولی روح مؤمن در نشئه‌های سه‌گانه (دنیا - برزخ - قیامت) دارای تکامل است. با این تفاوت که تکامل دنیاپی روح مؤمن بر مبنای اختیار و تکلیف است و تکامل‌های دیگر به دنباله تکامل دنیاپی است که این تکامل بر مبنای عبادات مؤمنان در برزخ و قیامت تداوم دارد. و آیاتی مانند: «واعبد ربک حتی پائیک اليقین» بیانگر این نکته است که چون یقین به معرفة الله نهایتی ندارد، عبادت رب العالمین هم در هر سه نشئه بدون اتها ادامه دارد.

ج-۱۷- آیا دو دختر و پسر مسیحی و مسلمان یا شیعه و سني که واقعاً به یکدیگر عشق می‌ورزند و یکی از آنها حاضر است به خاطر دیگری تسلیم مرگ شود و هم نبی خواهند دست از مذهبشان بکشند - چون ممکن است از طرف خانواده خود طرد شوند - آیا می‌توانند با هم ازدواج کنند . مذهب فرزند آنها چه می‌شود ؟

ج-۱۷- ازدواج شیعه و سني چه دختر و چه پسر با شرایطش اشکالی ندارد اما نسبت به دختران مسلمان با پسران کافر جائز نیست ولی عکس آن اشکال ندارد ولی چنانچه دختري مسلمان عشقش نسبت به پسر کافر به حد اضطرار رسیده به شرط عدم انحراف ایمانی ازدواجشان درست است. زیرا در ازدواج مبنای «اولنک یدعون الی اللار» (بقره/۲۲۱) بسیار هم است، یعنی دو همسر نسبت به یکدیگر دعوت آتشین و گمراه کننده از توحید و معاد نداشته باشند ولی چنانچه دختر یا پسر مسلمان ازدواجشان موجب گمراهی یکی یا هر دو گردد آن چنان ازدواجی حرام است و بر عکس، اگر ازدواج دختري مسلمان با پسری کافر همچو خلاف شرعی در بر نداشته باشد این ازدواج جائز است.

مثالاً همسر نوح و لوط (علیهم السلام) مشترک بودند اما همسران دو پیامبر بودند و آسیه بنت مزمام که در کمال ایمان بود همسرش ملحد یا مشرکی فرعونی بود و این دو حکم را که دو معصوم و یک مؤمنه انجام داده‌اند خود دلیل بر جواز این‌گونه ازدواج‌های ناهسان است. ولی چون در ازدواج زن مسلم با مرد کافر جریانی انحرافی پیش می‌آید در قرآن نوعاً منوع شده است، مگر در موارد استثنایی که جریانی انحرافی یا اضطراری پیش نیاید. و کاهی ازدواج ناهسان، واجب می‌شود. مانند این که دختري مسلمان با پسری کافر ازدواج کند و منجر به مسلمان شدن پسر شود تا چه رسید به عکسش که هر دو ازدواج از باب امر به معروف و نهی از منکر بر پسر و دختر مذکور واجب است.

ج-۱۸- ورق پاسور بدون برد و باخت و بدون شرط فقط برای سرگرمی چگونه است ؟

ج-۱۸- اگر سرگرمی لهو نباشد در فرض سؤال پیاشکال است. معنای لهو در پاسخ به یکی از سوال‌های بعدی آمده است.

ج-۱۹- حکم تراشیدن ریش بوسیله تیغ و مثل آن چیست ؟ لطفاً اگر روایت معتبری در این باره رسیده است بیان فرمایید.

ج-۱۹- در مورد حرمت مطلق تراشیدن ریش، آیه و روایتی نداریم، آری درباره گذاشتمن مقداری ریش به عنوان استحباب روایاتی وارد است ولی حرمت آن مبنای شرعی ندارد، تنها دو روایت آن هم از باب تشبیه به کفار (که یهودیان ریش را می‌تراشیدند و سبیل را بلند می‌کردند) آن را حرام دانسته حال آنکه در این زمان مسلمان و یهودی و غیره یکسان هستند و تشبیه وجود ندارد.

و اگر هنوز هم اکثر علمای ما شرط تشبیه را لازم بدانند چون فعل اعلایی یهود و عده‌ای از یهودیان ریش‌های بلندی می‌گذارند، باید آنان که قائل به چنان فتواهی هستند ریش‌های خود را تماماً با تیغ بتراشند تا مت شبیه به یهود نباشند!!

ج-۲۰- در این مسئله که گفته می‌شود اگر موسیقی مناسب مجالس لهو و لعب باشد، حرام است، منظور از لهو و لعب چیست ؟ لطفاً پاسخ روشنی ارائه دهید.

ج-۲۰- لهو طبق آیاتی چند و روایاتی بسیار حرام است و به معنی «اعراض از حق است» و دارای مراحلی است که کمترین مرحله‌اش این است که کاری انجام دهی که شما را نسبت به انجام واجی بی‌میل و یا به حرایی مشتاق نماید که بر مبنای آیاتی مثل: «من یشفع شفاعة حسنة پکن له

نصیب منها و من یشفع شفاعة سیئة پکن له کفل منها»(نساء/۸۵) مقدمه‌ی عادی واجب، واجب و مقدمه‌ی عادی حرام است تا چه رسد به این که کاری موجب ترک واجب یا انجام حرام گردد و بالاتر این که موجب اعراض از حق شود: «و من النّاسُ مَن يَشْرِي لَهُ الْحَدِيثَ لِيَضُلَّ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ بَغْيَرِ عِلْمٍ وَ يَتَخَذِّلَ هَرَوْا...»(لقمان/۶).

پس چنان‌چه موسیقی و غنا لهو نباشد، حرام نیست ولی آکثریت دروس مرسوم حوزوی که قرآن را محجور کرده و طلاب را از بررسی‌های حقیقی قرآنی بازداشت، لهو، و اشتغال به آن حرام است. مگر برای کسی که قصد داشته باشد آن علوم را با استناد به قرآن و سنت نهد نماید. لعب، بازی باطل است و لهو کنایه است اعم از لعب و غیره، زیرا هر بازی حرام نیست بلکه لعب بازی یی فایده‌ای است که تنها وقت کیر است و آکرچه زیانی هم نداشتند باشد خود پیامدی برای انجام لهو و عملی ناشایسته‌تر است. و بالاخره لهو و لعب مانند کنایه کیروه و صغیره است.

۲۱- شنیده می‌شود کاهی بعضی از زنان که آش نذری یا سمنو، حلیم و ... طبخ می‌کنند می‌گویند روی شله زرد یا آش نذری و سمنوی آنها خود بخود اسایی معصومین مثل: زهرا (علیها السلام)، حسین یا مهدی (علیها السلام) نوش می‌بندد آیا اینها و امثالهم واقعیت دارد یا تلقین است. ج ۲۱- این موارد بعضاً تلقینی و خیالی است ولی برای افراد با اخلاص واقعیت دارد مانند دیگ آشی که چندی پیش در عاشورایی در تهران، رنگی خونین به خود گرفت، فلانا در روایاتی وارد شده که روز عاشورا از بعضی درختان خون می‌چکد و این صحیح است.

۲۲- آیا شیعه می‌تواند برای حفظ وحدت در نماز جماعت اهل سنت شرک نموده و دست بسته و بدون مجر نماز بخواند؟  
ج ۲۲- حکم مجر قبلًا بیان شد. اما تقهیه دو بعدی است. ۱- تقهیه بغض ۲- تقهیه حب. که برای رفع بغض و عناد نه تنها نماز با آنها مستحب بلکه کاهی واجب می‌شود و نیز برای وحدت خواندن نماز با آنها خوب است به شرط این که حمد و سوره را خود بخواند البته به صورت آرام که اطرافیان متوجه نشوند.

۲۳- تشییع و تسنن در چه زمانی ظهور نمودند در صورت امکان سندی از کتب اهل سنت بیان کنید.  
ج ۲۳- اصولاً تشییع در اصطلاح اسلامی پیروی از ائمه اهل‌البیت (علیهم السلام) است و تسنن برخلاف این حقیقت است و این دو جریان از نظر ظاهر پس از ارتحال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و انتصاب خلفای سه کانه آشکار شد که گروه بسیاری از مسلمین این سه نفر و ائمه اربعه را پس از رسول گرایی، جانشینان سیاسی و فقاهتی حضرتش می‌دانستند ولی گروهی اقلیت بر حسب وصایای قرآنی و سنت پیامبر هر دو جریان را در اختصار ائمه معصومین (علیهم السلام) می‌دانستند.

اما پس باطنیش پیش از رحلت رسول گرایی اسلام بوده که هر دو گروه بر دو مبنای دارای این دو حالت تشییع و تسنن بوده‌اند، کرچه خیلی ظهوری نداشته‌است مثلاً سلمان و ابوذر و ... چنان که از آغاز مسلمان بوده‌اند، شیعه هم بوده‌اند ولی دیگر کانی که آکثریت را داشتند از آغاز وضع دیگری داشتند که ظهورش پس از رحلت پیامبر و خلافت‌های سه کانه معلوم شد.

۲۴- آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دست بسته نماز می‌خوانده است لطفاً با سندی از کتب اهل سنت بیان کنید.  
ج ۲۴- کل مسلمان‌ها بر این عقیده هستند که پیامبر دست بسته نماز نمی‌خوانندند، بلکه بر حسب روایاتی از سیّی و شیعه، دست روی دست گذاشتن در نماز از آراء عمر می‌باشد که پس از فتح ایران، افسرایی عالی‌رتبه از ایران نزد او آمدند و دست بسته او را احترام کردند، روی همین مبنای عمر گفت بہتر است ما هم در نماز خدا را این‌گونه مورد احترام قرار دهیم و مذاهب چهارکانه سینی هم متفق بر این رأی نیستند بلکه تنها گروهی از سلیمان به پیروی از امامانشان به تقليید از عمر، نماز را این‌گونه می‌خوانند.

۲۵- در مجالس و محافل مذهبی نقل عوام الناس است که باید در ماه رمضان مجلس عزا برای امامان بخصوص امام علی (علیه السلام) بر پا نمود آیا اینگونه مجالس با سیره‌ی ائمه سازگار است یا خیر و آیا ماه مبارک رمضان ماه عزا و ماتم است؟

ج ۲۵- خیر، ماه رمضان ماه ماتم و عزا نیست. فقط شب‌های قدر به خصوص شب پیست و یکم به مناسبت شهادت حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) زمینه عزاداری فراهم است ولی ایام دیگر رمضان چنین خصوصیتی ندارد. فقط دهه اول محرم برای امام حسین (علیه السلام) و ایامی از صفر برای رسول کرامی و بعضی دیگر از ائمه معصومین (علیهم السلام) عزاداری رسمی لازم است و در غیر این مناسبتها بر مبنای وجهه‌ی عمومی «یحزنون لحزنا» عزاداری شایسته است.

۲۶- آیا عروسی در ماه محرم (بعد از عاشورا) یا در ماه مبارک رمضان اشکال دارد؟

ج ۲۶- خیر، در هیچ زمانی عروسی منعی ندارد حتی در ایام شهادت معصومان (علیهم السلام) جز آن که مناسب است عقد جاری شود و جشن برپا نشود.

۲۷- آیا مسح سری که با ژل یا کتیرا یا مواد آرایشی دیگر فرم گرفته است صحیح است یا باید مواد آرایشی موی سر را از بین برد یا باید حتی آب و ضوی انگشتان به پوست سر برسد. اگر بفرمایید اشکال دارد پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که به سر موی مبارک خود بطور مداوم روغن می‌مالیدند چگونه مسح می‌کردند؟!

ج ۲۷- روغن مانع از مسح نیست. آری، موادی که جرم داشته و مانع از تری دست دارند در مسح منوع هستند و چون مسح برخشنی از موی سر کافیست اگر به اندازه سطح یک بند انگشت را مسح گند کفایت می‌کند و تنها در غسل است که باید اضافه بر مو، پوست هم شسته شود.

۲۸- آیات متعددی در قرآن یافت می‌شود که ظاهراً متناقض می‌باشند آیا این تناقضات اشکال بزرگی برای قرآن نیست؟ به عبارت بهتر مگر می‌شود که خداوند امروز بفرماید این حکم اجرا شود و چند روز یا چند ماه بعد آن حکم ملغی اعلام گردد. لطفاً کتابی که مشروحاً درباره ناسخ و منسوخ نوشته شده باشد را معرفی نمایید.

ج ۲۸- در قرآن هیچ تناقض و تضادی نیست. و چند مورد نسخ نه تضاد است و نه تناقض بلکه تکامل است. خدای سبحان مانند یک پژشك به حسب حال امروز پهار دارویی را برای وی تجویز می‌کند و برای روز دیگر دارویی دیگر و نسخ در قرآن بر مبنای سیاست گام به کام و احیاناً هم، آزمایشی برای مکلفان است لکن آخرین حکم قرآنی، تا اهراض جهان تکلیف هم چنان واجب الاطاعه است. و در ضمن کتاب‌های: البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ترجان قرآن و تفسیر الفرقان و نیز تفسیر فارسی که آمده طبع است کتاب‌هایی است که در این زمینه به طور مفصل بحث نوده‌ایم.

۲۹- بعضی مراجع فرموده اند در شب و روز عروسی استفاده از آلات موسیقی اشکال ندارد. آیا این مطلب صحت دارد؟

ج ۲۹- آلات موسیقی در صورتی که لهو و شهوت انگیز باشد کلاً حرام است چه در عروسی و چه غیر آن و در غیر این صورت کلاً حلال است و آیا مجلس عروسی، حرام خدا را حلال می‌کند و بالعکس، پس حرام، به عنوان زمان یا مکان یا تشخیص مصلحت و... حلال نی شود. و بالعکس نیز هین حکم را دارد.

۳۰- آیا چیزهایی مثل قدماه امام رضا (علیه السلام) (پایی بزرگی که برستنگ یا گلی حک شده) و آثاری از حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در گرگان (میدان عباسعلی) واقع‌آثار شخص ایشان و مربوط به حضرتشان می باشد و آیا اینکه می گویند امام حسین و حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در حمله به ایران تا طبرستان حتی تا گرگان آمده اند حقیقت دارد ؟

ج ۳۰- جریان حمله حضرت امام حسین علیه السلام تا طبرستان حقیقت ندارد و جریان اول آنکه برخلاف عصمت و علم نباشد از باب خارق عادت نسبت به این بزرگواران قابل پذیرش است چنان که جایی پایی ابراهیم (علیه السلام) در مسجد الحرام به عنوان «مقام ابراهیم» هنوز هم هست و مورد تصدیق قرآن است که «فیه آیات بینات مقام ابراهیم...» (آل عمران/۹۷).

۳۱- در حالیکه چند صد متر آنطرف تر گنبد و بارگاه امام رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (علیه السلام) عده ای در فقر سر می برند آیا جایز است گنبد و بارگاه آن بزرگواران را از طلا بنا نمود و آیا نذرورات کسانی که دهها میلیون تومان نذر وقف آن بزرگواران می نمایند (البته برای تزیین حرم مطهر آنها) جایز است آیا بهتر نیست این نذرورات و طلاجات صرف هزینه‌ی تحصیلی فقرا و هزینه‌ی زندگانی صدها زوج جوان یا نعروسان و دامادان دم بخت شود و یا خرج ساختن سرپناهی برای بی خانمانها - که در کشور ایران تعداد آنها کم نیست - شود . آیا امام رضا (علیه السلام) راضی است که در خانه ای از سقف و ضریح طلا بسر برد و پچه های یتیم در جوار و مشهد او سرپناهی نداشته باشند ؟ مگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است که زینت مسجد کراحت دارد. پس اینمه هزینه میلیاردها زینت آلات منقوش و مفروش در حرم او چیست ؟!

ج ۳۱- این زینتها که بر مبنای احترام به آن بزرگواران است در صورتی درست است که نیاز مهم‌تری برای مسلمین وجود نداشته باشد، ولی همان طور که فرموده‌اید با وجود بینوایان باید ثروتمندان نیاز بینوایان را برطرف سازند و به جای طلاها و نذرورات که برای معصومان (علیهم السلام) انجام می‌گیرد آن اموال برای بینوایان مصرف شود، البته نه به عنوان تنبیل پروری بلکه به عنوان ایجاد شغل و یا حمایت از کسانی که در به دست آوردن نیازشان قادرند و نه مقصّر، چنان که در روایاتی محقق است که امام زمان (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف) هنگام ظهور این زینتها را صرف بینوایان می‌کنند زیرا مطابق سیره اهل‌البیت است و قرآن هم درباره مال می‌فرماید: «ولا تتوتا السفهاء اموالکم التي جعل الله لكم قیاماً» بدین مفهوم که مال برای قیام زندگی است نه ذخیره کردن یا زینت کردن برای تماشا در حالی که مستمندایی در جامعه وجود دارند، که این خود کنز مال است و قبلًا بیان شد که از نظر قرآن مردود است.

۳۲- در آیه ۹۰ سوره‌ی مائدہ و در آیه ۲۱۹ سوره‌ی بقره نوشیدن شراب حرام و منوع است اعلام شده است و در روایتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود حتی جرעה ای از آن حرام است . پس چگونه است به دنبال آیه می فرماید : "البته سودهایی هم در آن است برای مردم !" منظور از نفعی که در این آیه آمده است چیست ؟ آیا این همان معنا نیست که برخی پزشکان برای بیماران خود مقدار کمی مشروب تجویز می‌کنند آیا این توجیه برای حلal شدن مقدار کمی (جرעה ای) مشروب کافی است .

ج ۳۲- سودی که در قرآن برای شراب پیان شده است منفعت تجاری است زیرا آب انکور ارزان را تبدیل به شراب می‌کنند که ارزش افزوده دارد و در روایت از معصوم (علیه السلام) آمده است که هیچ شفایی در شراب نیست.

۳۳- مگر علاما و روحانیون مکرر نمی فرمایند که زنجیر زدن کراحت دارد مگر نه این است که شمع روشن کردن در حرمین امامان و امامزاده ها خرافات است و مگر نه اینکه پارچه و قفل بستن به ضریح مطهر امامان و امامزاده ها خرافات است پس چرا علاما صریحاً این نوع خرافات را نهی نمی کنند ؟

ج-۳۳- علماء خود باید پاسخگوی عدم منع از خرافات باشند ولی صریحاً می‌گویند که این‌ها خلاف شرع است و توسل به معصومان (علیهم السلام) راهش این است که از خدای متعال بخواهیم به حق فلان معصوم حاجت را برآورده کرد یا نزدی که طرفش خدا و موردش معصومانند انجام گیرد.

ج-۳۴- فرق بلاشبیه بین معالجات آفای علی‌اکبری و امام رضا(علیهم السلام) چیست؟ فرد مذکور با امواج دست خود، افراد معلول و مفلوج و هرگونه بیماری دیگر را کاملاً شفا می‌دهد که صحبت کارهای او توسط افراد مورد اعتماد و پزشکان حاذق مورد تائید قرار گرفته است و گهگاهی ایشان برای معالجه بیماری‌ای حاد و لاعلاج به شهر ها سفر می‌کند و مورد استقبال هزاران نفر قرار می‌گیرد و بی استثنای بیماری‌ای که لاعلاج هستند را علاج و درمان می‌کند . و دهها سی دی از معالجات ایشان تصویر برداری شده است .

ج-۳۵- از جمله فرق‌های مهم این است که معصومان (علیهم السلام) در عین حال که رحلت کرده‌اند بدون تماس ظاهري احياناً علاج‌هایي انجام می‌دهند ولی معالجات شخص مذکور و مانندش تها در حال حیات و تماس با بیمار احياناً مؤثر است.

ج-۳۵- آیا اگر در تشهد به یک سلام اکتفا کنیم کافی است؟

ج-۳۵- بعد از «السلام عليك ایها النبي...» یکی از دو سلام (السلام علينا...یا السلام عليک...) کافی است.  
(توضیح بیشتر از مساله ۳۰۴ رساله توضیح المسائل نوین: سلام واجب یکی از دو سلام اخیر است که «السلامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ» یا «السلامُ عَلَيْكُمْ» و سپس «وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ» مستحب است و در حقیقت با گفتن سلام اول نماز تمام شده و دوی پس از آن مستحبی پیش نیست، و در نتیجه اگر پس از سلام اول چیزی از مبطلات نماز پیش آمد نمازش باطل نی شود. زیرا اکنون از کل واجبات نماز بروند رفته و ترك مستحبانی از نماز- در کل- نماز را باطل نی کند مگر در صورتی که سلام اول را به نیت استحباب گفته که دوی طبعاً واجب و ترك و یا ابطالش نماز را باطل می‌کند، و اگر در سلام اول نه نیت و جوب داشته و نه استحباب، همان‌کافی است که در دوی نیت و جوب کند.  
«السلام علينا و عليک» هر دو سلام‌هایی است بر حاضران و غایبان در نماز که این خود پیامدی است در نماز پس از حمد و ثنای الهی، که نسبت به بندگان خدا نیز تحیت و سلامتی است.)

ج-۳۶- آیا در رکعت سوم و چهارم نماز یکبار تسبيحات اربعه بگوییم کافی است؟

ج-۳۶- آری کافی است.

ج-۳۷- آیا در رکوع حتا باید سه بار سبحان الله گفت آیا یکبار باطل می‌شود .

ج-۳۷- حتی یکبار گفتن «الله» در سجده و رکوع کافی است تا چه رسد به «سبحان الله» که مطلق پاد خدای متعال، اقلی واجب است.

ج-۳۸- در حدیث آمده است امام حسن (علیهم السلام) برای برآوردن نیاز مؤمنی از اعتکاف خارج شد و فرمود ارزش برآوردن نیاز مؤمن از اعتکاف بسی برتر است . به مصدق این حدیث آیا بهتر نیست که بجای سه روز (یا بیشتر) اعتکاف در مسجد به نیازهای مردم برسیم . به مردم خدمت کنیم مثلًا سه روز به طور رایگان در خدمت جهاد سازندگی ، بسیج ، بیارستانها ، سرای سالمندان و ... باشیم .

ج-۳۸- اولاً اعتکاف واجب نیست بلکه مستحب است و در تقدیم بین واجب و مستحب، واجب مقدم است مگر جایی که امکان انجام هر دو پاشد، مانند کلکهای واجب به نیازمندان.

در اینجا لازم به ذکر است که پرسش های زیر برای اطلاع همکاران و اینجانب است و از نصب در تابلو برای داش آموزان خودداری می شود .

۳۹- بعضی از دعاها در کتب ادعیه وارد شده است که اگر انسانی خلافکار و گهکار فلان دعای مخصوص را بخواند مثل این است که ۳۶۰ حج کرده باشد ، ۳۶۰ بندۀ آزاد کرده باشد ، ... آیا اینگونه دعاها معتبر است اگر پاسخ مثبت است پس هر جانی و فاسدی پس از قتل دهها هزار نفر و تجاوزات جنسی می‌رود این دعاها و امثال‌هم را می‌خوانند و بخشیده می‌شود - کما اینکه بعضی از جوانهای امروزی چنین برداشتی از اینگونه دعاها دارند - و اگر به فرض مؤمن باشد دیگر به حج نبی رود چون با خواندن این دعاها ۳۶۰ حج گزارده و خمس و زکات و بسیاری کارهای خوب دیگر را انجام نمی‌دهد . فقط یکبار این دعا و امثال آن را می‌خواند و بیشتر می‌شود . خواهشمند است در این باب توضیحی روشنی بیان دارد .

ج- ۳۹- این گونه دعاها و روایاتی مانند آن‌ها جعلیاتی جاهله‌های و یا عاملانه است زیرا برخلاف نصوصی از قرآن و روایات چندی است . و اصولاً هر کاهی توبه‌ی ویژه‌ای دارد و حتی با توبه هم این گونه ثواب‌های مذکور را ندارد و چنان که در بعضی روایات جعلی آمده که اگر کسی کاهی کند و سپس توبه نماید برتر است از کسی که کنایی نکرده که این ترجیح فاسقان تائب است بر دیگران و حتی معصومان(علیهم السلام)!! بنابراین هر سخنی که بر خلاف قرآن باشد قبل قبول نیست . البته احادیث متواتر که بر خلاف قرآن نیست و مورد استفاده و عمل شخص بیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) بوده مقبول است و مسلماً نفس دعا آثار معنوی و مادی بسیاری دارد و ما در کتاب عربی «غوص في البحر» کل کتب حدیثی شیعه و سنی را به طور مختصر نقد نموده‌ایم .

۴۰- اگر پاک کردن لاک برای نماز و وضو موجب حرجی برای بعضی از دختران شود تا جایی که نمکن است به ترك نماز بیانجامد تکلیف چیست ؟ اگر بگویید نماز با لاک انگشتان دست و پا مغایرت دارد و نماز را باطل می‌کند آن دختر نمکن است نماز را ترك کند و ما لذت راز و نیاز با خدایش را برای یک رنگ لاک از او گرفته ایم لطفاً توضیح دهید . زیرا زیبایی جزء فطرت یک نوجوان و جوان است حتی اگر این لاک را برای خود ترین کند نه برای دیگران؛ در روایتی نیز بیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به زنان توصیه کرده اند ناخنها را بلند و رنگ کنند .

ج- ۴۰- بلند نمودن ناخن‌ها و رنگ کردن آن‌ها مانند جرم‌دار بودن لاک نیست، و رنگی چون حنا که مانع از رسیدن آب به بدن نیست مانند لاک (که مانع است) مبطل وضو نیست و چنانچه دخترانی به وسیله‌ی لاک به هنگام نماز برای زایل کردنش به حرج پایقتضی این حرجی است اختیاری که مانع از وضوی صحیح (با زدودن لاک) نی باشد . آری اگر پاک کردن آن موجب ترك نماز می‌شود این جا در تقدیم میان خواندن این گونه نماز و ترکش، البته این نماز برتر است و بعداً باستی در حد امکان و توان نمازهایشان را قضا نمایند و لازم است به جای لاک از رنگی به منظور زیبایی استفاده کنند که مانع از رسیدن آب به بدن نیست .

۴۱- برخی می‌پرسند چرا شهادت و تولد امامان گاهی فصل بهار گاهی زمستان و گاهی تابستان است آیا بهتر نیست در تولد و شهادت امامان سال شمسی - که ثابت است و مثل ماههای قمری متغیر نیست - درنظر گرفته شود آیا یک جوان و نوجوان تشنیگی امام حسین (علیه السلام) و خاندان و یارانش را در زمستان (که گاهی عاشورا در وسط زمستان می‌افتد) درک می‌کند ؟ و آیا بهتر نیست که روز عاشورا به ماه شمسی (۲۰ مهر ماه) که مرحوم هیوی ثابت نموده مراسم گرفته شود ؟

ج- ۴۱- اصولاً احکامی که برای روزهایی مقرر است، چه واجب یا مستحب، مربوط به ایام قمری است، زیرا «اَنَّ عَدَّ الشَّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ إِثْنَا عَشْرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ» (توبه/۳۶).

و این جا به جا شدن روزهای قمری خود تنوع است، بر این مبنای روزها و سال‌های قمری هرگز تغییر پذیر نیستند. مثلاً روزهای ماه رمضان حتاً در ماه رمضان است و لاغر؛ ولی رعایت آن برای تولدها و وفاتها واجب نیست. در نتیجه تغییر آن‌ها به ماههای شمسی اشکال ندارد ولی بهتر است که بر همان مبنای قمری باشند و خود تغییرات ماه در آسمان دلیل است بر اصالت زمان‌های قمری و کلّاً زمان‌های قمری بر مبنای شرع و زمان‌های شمسی ابتکار مردم است.

۴۲- در چه مواقعی می‌توان زنی را به صیغه موقت خود در آورد و آیا مردی که همسر دارد می‌تواند همسر صیغه ای داشته باشد . آیا این روایت که امام صادق می‌فرماید دوست ندارم که شیعه ای از دنیا برود مگر آنکه برای یکبار هم که شده زنی را به عقد موقت خود درآورده صحیح است ؟ آیا این عمل برای یکبار هم که شده الزایی است ؟ و آیا پیامبر و امامان به این دستور خود عمل کرده اند ؟

ج-۴۲- عقد موقت از نظر عملی، الزایی نیست مگر در موارد نیاز ضروری و کمی که همسر دارد - در صورت عدم فساد خانوادگی - در صورت نیاز، مستحب و یا واجب است عقد موقت انجام دهد و اگر در روایاتی آمده که باید برای یکبار زنی را به عقد موقت درآورد این در برابر عمر است که سخنی بر خلاف کتاب الله و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کفته، و چنان‌که صحبت عقد دائم دارای شرایطی است این هم شرایطی دارد که در رساله‌ی نوبن بیان شده است. در کل التزام به ترک هر کار جائز که از نظر شرع درست است التزایی حرام است، بر این مبنای اگر شیعه چنان روحیه‌ای داشته باشد که هرگز عقد موقتی برای خود انجام ندهد و از آن اعراض کند این کار خود التزایی به سنت عمری است و در همین حد وی سنتی خواهد بود.

۴۳- آیا کتابی مذهبی یافت می‌شود که در آن روایات جعلی نیامده باشد ؟ لطفاً معرفی نمایید . اگر بفرمایید کتب اربعه شیعه ، بعضی مثل مرحوم علامه شوستری و معروف الحسنه فرموده اند در این کتب نیز حدیث جعلی یافت می‌شود .

ج-۴۳- تها پس از قرآن، صحیفه‌ی سجادیه و مصباح الشریعه از امام صادق علیه السلام تماماً کثیر مقصوم از خطاست و نیز نهج البلاغه به استثنای چند جمله مانند « زنان از نظر ارث و ایمان تھستان دارند، که ارشستان نصف مرد است و تھستان ایماشان این است که در حال حیض و نفاس روزه و نماز بر آن‌ها حرام است» امثال این جملات خلاف قرآن ولی مابقی نهج‌البلاغه درست است ولکن سایر کتب چه شیعه و چه سنتی با درصدهای کم یا زیاد، مطلق نیستند چنان که در کتاب عربی «عوْضٌ فِي الْبَحَارِ» حدود ۱۸۰ جلد از کتب روایی اصلی شیعه و سنتی را مورد نقد قرار داده‌ایم.

۴۴- نظر حضرت عالی راجع به حق کمیسیونهایی که بنگاههایی معاملاتی دریافت می‌دارند که بعضاً طرفین ، مالک و مستاجر (خریدار و فروشنده) راضی نیستند چیست ؟ آیا دریافت این چنین به اصطلاح خودشان حق کمیسیون حلال است ؟

ج-۴۴- حق کمیسیون اگر عادلانه و با رضایت طرفین باشد جائز و در غیر این صورت حرام است، زیرا «تجارة عن تراض منك»(نساء ۲۹) چنان که اصل معامله را شامل است، واسطه در معامله را نیز در بردارد. اما در صورتی که این حق وساطت عادلانه باشد و هر دو طرف هم واسطه را پذیرفته باشند، خود این پذیرش، پذیرفتن حق عادلانه‌ی واسطه است و رضایتی افزون بر آن در معامله شرط نیست.

۴۵- آیا در اسلام (حدیث یا آیه ای) وارد شده است که برای میت سوم ، هفتم و چهلم بگیریم لطفاً با سند قرآنی یا روایی پاسخ دهید .

ج-۴۵- چهلم برای اموات دارای سندهایی روایی است و اصولاً عدد چهل از نظر قرآن عددی مبارک است ولی برای سوم و هفتم هیچ دلیل قاطعی نداریم، آگرچه برای میت سودمند است چون مؤمنین جمع می‌شوند و برای وی دعا می‌کنند.

۴۶- استفاده از کراوات در مجالس عروسی و غیر آن چگونه است اگر بفرمایید تشیه به کفار است، هم اکنون انسانها از نظر پوشش شیوه هم هستند. پس کت و شلوار نباید پوشید ، چون تشیه به کفار است . تیرهای برق جاده‌ها شبیه صلیب است و ماشین نباید درست کرد چون تشیه به کفار است ساعت زنگ دار حرم امام رضا (علیه السلام) شبیه به ناقوس است، جوراب و تلفن و مبل و بسیاری از این قبیل اشیا را نباید استفاده کرد!

ج-۴۶- هرگونه تشیبی که مسلمان را در زمرة کافران به شمار آورد حرام است ولی چیزهایی مانند کراوات، پاییون و امثال این‌ها که همکاری است، اشکالی ندارد.

ج-۴۷- آیا پوشیدن پیراهن آستین کوتاه معصیت دارد و آیا پوشیدن آن در کلاس پسران جائز است و آیا یک استاد می‌تواند برای رفتن به جلسه درس داش آموزان دختر مقطع متوسطه آستین کوتاه (سه ربع) بپوشد؟

ج-۴۷- پوشیدن لباس آستین کوتاه و مانند آن آگر شهوت‌انگیز باشد حرام و الا حلال است. که نسبت به پسران نوعاً چنین نیست اما بهتر است که استاد احترام جلسه درس را مراعات کند.

ج-۴۸- شخص سرمایه داری زمینی را به قیمت ۲۰ میلیون تومان می‌خرد و می‌داند دوسال بعد زمین خریداری شده در یک موقعیت استثنایی قرار می‌گیرد که کرانتر می‌شود و بعد از دو سال همان زمین به قیمت ۲۰ میلیون تومان خریداری شده را به ۱۰۰ میلیون به فروش می‌رساند. آیا سود این زمین که ۸۰ میلیون تومان است حلال است؟ آگر بفرمایید خمس و زکات آن را بددهد حلال است، ما از فردا تدریس را رها می‌کنیم و می‌رویم توکار خرید و فروش زمین؟

ج-۴۸- به نظر اینجانب اصولاً زمین ملک کمی نمی‌شود، فقط به وسیله‌ی دیوار کشیدن یا تعمیر و احیای اراضی موات، حق تصرف به اندازه‌ی لازم برای شخص محفوظ است و هنگامی که بخواهد آن را بفروشد تها می‌تواند ارزش بالفعل خدمات و اموالی را که برای احیای زمین مصرف کرده بکیرد. مثلًاً ده میلیون تومان مصرف کرده است در موقع فروش زمین فقط می‌تواند این ده میلیون تومان را به اضافه‌ی ارزش افزوده‌اش دریافت نماید و دیگر هیچ، بر این مبنای خواران، مفت‌خواری است که در کتاب مفت خواران مفصلًاً پیرامون آن بحث نموده‌ایم و آیه‌ی مبارکه‌ی «وَإِن لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) تها ارزش را بر مبنای سعی و کار قرار داده و آیا اصل زمین بر اثر کوشش فرد به وجود آمده است؟! فلانا باید تها ارزش مصارفی را که انجام داده به اضافه‌ی تورم عادی اقتصادی آن دریافت نماید.

ج-۴۹- مفهوم این حدیث شریف امام علی (علیه السلام) که می‌فرماید هیچ ثروتی کرد آورده نمی‌شود مگر آنکه حق محرومی در آن پایمال شده باشد چیست. آیا در این روزگار مصداقی وجود دارد؟

ج-۴۹- «هیچ ثروتی» شامل هر ثروتی نیست بلکه تها ثروتی است که بیشتر از سعی و کوشش صاحب ثروت به دست آمده که یا گرافروشی کرده، یا ریاخواری نموده و یا حق دیگران را غصب کرده است، مثلًاً کارمندی که درآمد مشخصی دارد و بعد از چند سال می‌بینیم که به ثروتی هنگفت دست پیدا کرده این نشان می‌دهد که تجاوزی به حق دیگران کرده و یا رشوه در مقام قضاوت گرفته و یا افزون طلبی‌های دیگری در کار بوده است.

ولی آگر کسی در اثر فکر و کار روزمره‌ی ممتاز شروتی بر مبنای سعی خود به دست آورده گرچه بیشتر از مخارج روزمره‌اش باشد این مشمول سخن امام علی (علیه السلام) نیست.

و این که در فرمایش امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر است که از کجا آورده؟ نسبت به اشخاصی است که افزون‌هایی بر درآمدشان داشته‌اند. و ضایع شدن حقوق دیگران در جمع ثروت کلان در دو بعد است:

۱- تجاوز به حقوق دیگران

۲- پرداختن حقوق شرعی مثل خمس و زکات و ...

و حتی آگر اموالی به حلال جمع گردد مثلًاً ارثی زیاد به کسی برسد آگر صدق کنز کند باز حرام است، زیرا «جعل الله لكم قياماً» (نساء/۵) مال را وسیله قیام و حرکات پریکتی قرار داده که این مالی افزون یا باید به تهیستان به عنوان قرض الحسنة و یا مضاربه برای به کار افتدان مال پرداخت

شود و یا به فقرا صدقه و افقاً شود، زیرا بر مبنای آیاتی مانند: «بِسْتَلُونَكَ مَاذَا يَنْفَعُونَ؟ قُلِ الْعَفْوُ» (بقره/۲۱۹) مردم بایستی اموالی را که بیش از نیاز آنان است به نیازمندان پردازند در عین حالی که جمع کردن اموالشان به طریق حلال بوده است.

۵- آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی مبارکه‌ی المعارج می‌فرماید: «إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانَهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» پرسش این است که چرا باید زن اسیر کافر را در میدان جنگ به زور به ازدواج یک مسلمان در آورند شاید اصلاً او میلی به ازدواج با او نداشته باشد. آیا بهتر نیست آزادانه یا میان مسلمین بماند یا به سرزمین خود بازگردد. و یا اینکه بهتر نیست زن و شوهر کافر (اعم از کتابی و ملحد) در اسارت مسلمین به زندگی قبلی خود ادامه دهند هر چند یکی مسلمان شود و دیگری کافر بماند. ممکن است بفرمایید نی شود یکی مسلمان و یکی کافر بماند. می‌گوییم مکر قرآن نی فرماید لاؤکاہ فی الدین مگر زور است که آن اسیر حتاً باید مسلمان شود والا بر همسرش حرام، و نبی تواند با همسرش ازدواج کند؟!

۵-۵- هم‌اکنون این بحث را می‌توان این‌گونه مطرح کرد: آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی مبارکه‌ی المعارج می‌فرماید: «إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانَهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» این این حکم اسلام بازداشت می‌شوند که آزادی آنان است مرار دشمنی جنگی و یا غیر جنگی علیه مسلمین داشته باشد روی این حساب اگر زنای در جبهه‌ی جنگ به دست مسلمین اسیر شدند و آزادیشان برای مسلمین زیان داشته باشد، این اسیران تحت الحفظ و در حمایت مسلمین به جای این که زندان شوند یا آسیب‌های دیگری بر آنها وارد شود مانند سایر افراد خانواده، به گونه‌ای مجازی مورد خدمت مادی و معنوی و تربیت اسلامی قرار گیرند و هرگز این تحت الحفظ بودن مستلزم حلیلت بهره برداری جنسی از آنان نیست. بلکه بایستی بر مبنای رضایتشان باشد، چنان که «تجارة عن تراض منك» ازدواج را نیز در بر دارد و بایستی رضایت طرفینی لحاظ شود. و آیا این خود بزرگترین لطف در حق آنان نیست در حالی که مشاهده می‌کنیم کسانی که فریاد حقوق بشر سرمه دهنده چنین افرادی را مورد تجاوز قرار داده یا قتل عام می‌کنند ولی اسلام نعمت هدایت را به آنها هدیه می‌خواهد تا با زندگی کردن در خانه‌های مسلمین با فرهنگ و تربیت اسلامی آشنا شوند و پس از مسلمان شدن و رفع خطر از سوی آنان با شرایطی به آزادی برسند.

و از باب مثال چنان که نوجوانانی بزه کار در دارالتأدیب حفاظت می‌شوند، گرچه این خود نوعی سلب آزادی از آنان است لیکن برای امنیت دیگران و آزادی بیشتر (تحصیل علم و ادب) تا مدتی مقرر در دارالتأدیب می‌مانند و برتر از این جریان نسبت به اسیران کافر است که بایستی از جماعت چند تا مدتی در خانه‌های مسلمانان بمانند: نخست جلوگیری از خطرات ناشی از آزادیشان. دوم: تربیت مادی و معنوی به گونه‌ای مجازی که اگر ایمان آورندند و یا آزادیشان زیانی برای مسلمین نداشت، طبق موازنی شرعی آزاد می‌شوند.

۵- آیا این شایعه درباره حادثه ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱/۹/۱۱) که می‌گویند در قرآن کریم آمده است صحیح است؟ یعنی جزء ۱۱ قرآن = ۱۱ سپتامبر، (سوره‌ی توبه = نهمین سوره‌ی قرآن) اصابت هواپیما به طبقه ۱۰۹ یعنی آیه ۱۰۹ توبه به خرابی بنا اشاره دارد و حتی اسم خیابان محل حادثه نیز در آیه «جرف هار» است که دقیقاً همان خیابان محل حادثه آمریکا است و اگر گفته شود شایعه است پس این تطابق دقیق چیست لطفاً در این خصوص پاسخ دقیقی ارائه دهید. زیرا پاسخ این پرسش برای بسیاری از دانش آموزان مقطع متوسطه ضروری است.

۵-۱- احتالاً صادق است، گرچه آنرا صد درصد نمی‌توان قبول کرد و اصولاً قرآن حادثی را بر مبنای دلالت ابجدي یا غیر ابجدي حروف قرآن، پیش بینی کرده است و توافقاتی عددی در قرآن موجود است که همسانی معنوی را می‌سازند. مثلاً مستضعف در مقابل مستکبر در قرآن از نظر تعداد یکسان آمده که موازنی ای در طول تاریخ بین این دو گروه وجود داشته و دارد، جز زمان ولي امر (عجل الله تعالى فرجه الشریف) که حادث نوعاً تغییر می‌کند در هر صورت اگر در روز عدی و غیر عدی تحملی در کار نباشد، اخبار چنان رموزی قابل قبول است.

۵-۲- از طریق اینترنت به دانش آموزان القاء شده است که دین شما ایرانیان زرتشتی است و اعراب پاپرهنه و سوسار خور بزور شمشیر دین خود را بر شما ایرانیان القاء کرده اند و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) احکام و دستورات دین را از کتاب مقدس اوستا اخذ نموده است مثل

نمازهای پنجگانه و بسیاری دستورات دیگر . لطفاً کتابی مستند و محکم که در رد عقاید و احکام زرتشت نگارش یافته باشد معرفی نمایید . تا به داش آموزان معرفی شود .

ج٥٢- زرتشتیان که از جمله صابئان یا باشند از التقطایانند که مقادیری از صحف ابراهیم را گرفته و با مقادیری مطالب بر حسب افکار بشری مخلوط کرده و دین زرتشت را تشکیل داده‌اند و این سخن که قرآن برداشت‌هایی از دین زرتشت یا ادیان دیگر است هرگز درست نیست زیرا، در قرآن حوادث و احکام موجود است که در هیچ مذهب و فقه‌ای وجود ندارد و اگر مشاهدهای احکامی در کار باشد بر مبنای وحی ربانی است و چنان که قرآن آخرین وحی است، در تورات و انجیل موجود و کاتها و سایر کتب زرتشتیان نیز احکامی وحیانی موجود است که قرآن بعضی از آن‌ها را پذیرفته و بعضی را تکامل داده و بعضی موارد را هم نسخ کرده است و بالاخره دین الهی در واقع یکی است، گرچه احکام تنسانی یا تکامل در شرایع کوناگون وجود دارد که در کتب «بشارات عهدین (فارسی)، المقارنات ، رسول اسلام ، عقائیدنا و تفسیر الفرقان (عربی)» تحقیقی کامل نوده‌اند.

ج٥٣- آیا بوسیله جادو و سحر و بعضی اوراد می‌شود بخت کسی را بست و یا بخت کسی را گشود و یا نگذاشت دو نفر دختر و پسر به هم برستند و یا مهر دختری را بوسیله دعا و جادو در دل پسری (که دختر او را نمی‌خواهد) انداخت ؟

ج٥٤- استفاده از وسائل مهربانیکیز یا بغض ایکیز و یا مواردی از این قبیل کلاً حرام است مگر با توصلایی به قرآن شریف و معصومان (علیهم السلام) یا نذر و عهد برای خدا و یا خواندن صد آیه از قرآن و سپس هفت تکبیر گفتن و در پایان درخواست خالصانه از حضرت حق سبحانه و تعالی بر مبنای نیت و کار خیر و نه ایجاد بغض و محبت پی‌جا، و اگر ساحران این کارها را انجام دهند توصیه‌های مذکور که از جمله آیات قرآنی است هرگونه سحر و جادو را نقض می‌کنند زیرا سحر آن‌ها هر چه باشد به اندازه‌ی سحر ساحران فرعونی نیست و از آتجایی که عصای موسی (علیه السلام) کم ارجح‌تر از قرآن است آن‌ها را باطل کرد پس قرآن هم همی سحرها را باطل می‌غاید.

ج٥٤- آیا کسی که در معاملات خود مدام دروغ می‌گوید یا قسم دروغ می‌خورد آیا پولی که از این راه بدست می‌آورد (یعنی معاملات تؤام با دروغ و قسم) حلال است ؟

ج٥٤- اگر غری (فیضی) در کار باشد معامله حرام است و لا تهنا کذب حرام است.

ج٥٥- اگر ما جنسی را کیلویی ۵۰ تومان بخریم و در شهر دیگر که در ۵۰۰ کیلومتری ماست به کیلویی ۱۰۰ تومان به فروش برسانیم آیا پول آن حلال است ؟ چند درصد از چنین معامله‌هایی ببریم حلال است اگر بفرمایید که به عرف نگاه کنید امروزه عرف خیلی کارهای خلاف انسانیت انجام می‌دهد .

ج٥٥- حد معمولی و عادلانه‌ی سود خرید و فروش طبق احادیثی ده درصد است مگر این که از جایی به جایی بردن مستلزم هزینه و زحماتی باشد که این موارد بر مبلغ معامله افزوده می‌شود یا این که در محل دوم، ارزش جنس از محل اول بالاتر باشد که این هم اشکال ندارد پس آن چه که حرام است استفاده‌های غیرعادلانه می‌باشد.

ج٥٦- چگونه خواربارفروشی (که بنده سراغ دارم) در عرض ۵ سال میلیونر می‌شود در حالیکه قبل از مستأجر بوده و چیزی نداشته امروز صاحب دو ویلا و ماشین است و بنده بعد از ۲۰ سال دیری صاحب خانه نیستم او ۴ فرزند دارد و بنده هم ۴ فرزند او انسان است من هم انسان ؛ ولی من لیسانس هستم و او بیسواند ؟ من بی پول هستم او پول دار ، من خرج تحصیل فرزندم را ندارم ولی فرزند او سمند دارد . آیا این انصاف است و آیا مال ایشان حلال است ؟

ج-۵۶- قطعاً انصاف نیست و از موارد «از کجا آورده‌ای؟» می‌باشد که خود گرافروشی محسوب می‌شود.

ج-۵۷- بی‌گمان در کتاب حلیة المتقین تعدادی احادیث جعلی یافت می‌شود که برخی مؤمنین به آن عمل می‌کنند آیا بهتر نیست اهل فن احادیث صحیح آن را از احادیث جعلی جدا کنند تا مؤمنین که اهل فن نیستند به احادیث جعلی عمل نکنند . و هم این احادیث مستمسک عده ای نادان برای خرافی جلوه دادن مسلمین بخصوص شیعه قرار نگیرد .

«خیر الختام والسلام»

«خاک پای بندگان صالح خدا»

ک.ن. دبیر دینی و قرآن

ج-۵۸- اهل فن از ترس مردم تقیه می‌کنند - گرچه این تقیه حرام است - و قبلًا بیان شد که در کتاب عربی «غوص في البحار» أكثر جعلیات را برای مسلمانان آشکار ساخته‌ایم.

و السلام عليکم و علينا و علي عباد الله الصالحين

قم المشرفة: محمد صادقی تهرانی

۱۳۸۳/۱/۱۲ هجری شمسی

## تألیفات آیة الله العظمی صادق تهرانی «رحمه الله علیه»

فارسی:

- ۸۲ بشارات عهدهن
- ۸۵ ستارگان از دیدگاه قرآن
- ۸۶ اسرار، مناسک و ادله‌ی حج
- ۸۷ اقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق
- ۸۸ آفریدگار و آفریده
- ۸۹ حکومت قرآن
- ۹۰ دعاهای قرآنی «خطی»
- ۹۱ حکومت مهدی علیه السلام
- ۹۲ آیات رحمانی
- ۹۳ گفت‌وگویی در مسجدالتبی صلی الله علیه و آله
- ۹۴ مسیح علیه السلام از ظفر قرآن و انجیل
- ۹۵ خاتم پیامبران
- ۹۶ سپاه نگهبانان اسلام
- ۹۷ مفت‌خواران
- ۹۸ قرآن و نظام آموزشی حوزه «جزوه»
- ۹۹ قضاویت از دیدگاه کتاب و سنت
- ۱۰۰ حکومت صالحان یا ولایت فقیهان «خطی»
- ۱۰۱ ماتریالیسم و متافیزیک
- ۱۰۲ مفسدین فی الارض
- ۱۰۳ نماز جمعه
- ۱۰۴ نماز مسافر با وسائل امروزی
- ۱۰۵ پیروزی اسرائیل چرا و شکست آن کی؟
- ۱۰۶ برخورد دو جهان یعنی
- ۱۰۷ حقوق زنان از دیدگاه قرآن و سنت
- ۱۰۸ رساله‌ی توضیح المسائل نوین
- ۱۰۹ فقهه کویا
- ۱۱۰ مسافران (نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافر)
- ۱۱۱ توضیح المسائل نوین (تألیف سال ۱۳۷۳)
- ۱۱۲ ترجمان قرآن (ترجمه و تفسیر فارسی قرآن)
- ۱۱۳ تفسیر فارسی پنج جلدی

عربی:

- ۱- الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن والسنّة «۳۰ مجلداً»
- ۲- التفسير الموضوعي بين الكتاب والسنّة «۲۲ مجلداً»
- ۳- الفقه المقارن بين الكتاب والسنّة «۸ مجلدات»
- ۴- عقائدهنا
- ۵- المقارنات
- ۶- رسول الإسلام في الكتب السماوية
- ۷- حوار بين الإلهيين والماديين
- ۸- على و الحامون
- ۹- على شاطئ الجمعة
- ۱۰- فتياتنا
- ۱۱- أبن «الكراسة»
- ۱۲- مقارنات فقهية
- ۱۳- تاريخ الفكر والحضارة
- ۱۴- لماذا نصلّى و متى نقصر من الصلاة؟
- ۱۵- لماذا انتصرت إسرائيل و متى تنهزم؟
- ۱۶- حوار بين أهل الجنة والثار
- ۱۷- المناظرات
- ۱۸- المسافرون
- ۱۹- تبصرة الفقهاء بين الكتاب والسنّة
- ۲۰- تبصرة الوسيلة بين الكتاب والسنّة
- ۲۱- أصول الاستنباط بين الكتاب والسنّة
- ۲۲- غوص في البحار بين الكتاب والسنّة
- ۲۳- الفقهاء بين الكتاب والسنّة
- ۲۴- شذرات الوسائل والوافي «مخطوط»
- ۲۵- البلاغ في تفسير القرآن بالقرآن
- ۲۶- غوص في البحار - خطی